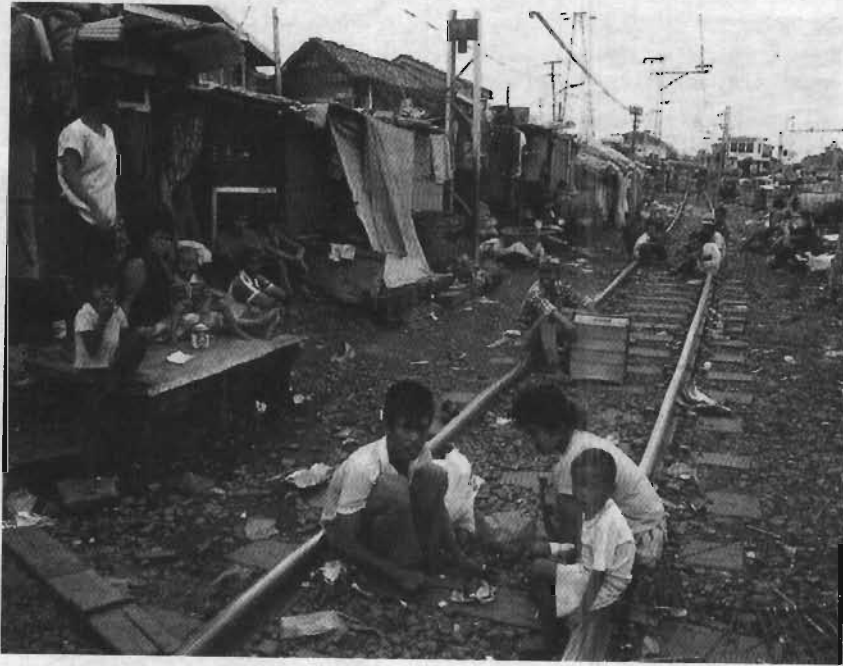


# سلب مالکیت در جاکارتا

اندریاس هارسونو  
روزنامه‌نگار جاکارتایی (اندونزی)

**میلیون‌ها جاکارتایی که قربانی پروژه‌های توسعه بورس‌بازی و روش‌های برنامه‌ریزی خودسرانه شده‌اند مجبورند زندگی جدیدی تشکیل دهند.**



آبونگی در مرکز جاکارتا.

سازمان ملی زمین اندونزی برای ده‌ها نفر از ساختمان‌سازان «اجازه تصرف» جمعاً حدود ۲۵۰ هزار هکتار زمین را صادر کرد. اجازه تصرف به شرکت‌های ساختمان‌سازی حق می‌دهد تا با ساکنان نواحی مورد نظر تماس بگیرند و آنها را به فروش زمین‌هایشان راغب سازند. در عمل، ساختمان‌سازان غالباً با استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز خرده‌مالکان را وادار به فروش زمین می‌کردند. طبق برآورد وزارت مسکن همگانی، زمین‌هایی که تا سال ۱۹۹۹ از تصرف مالکان‌شان «آزاد» شد نیاز صد سال اندونزی را برای مسکن جدید تأمین می‌کرد. به سخی دیگر، حباب بورس‌بازی سرانجام ترکیب و یکی از علل بحران کنونی بخش بانکداری اندونزی ندادن وام‌های ملکی است. در این «بورس برای زمین»، دولت نقشه‌های تفصیلی برنامه‌ریزی

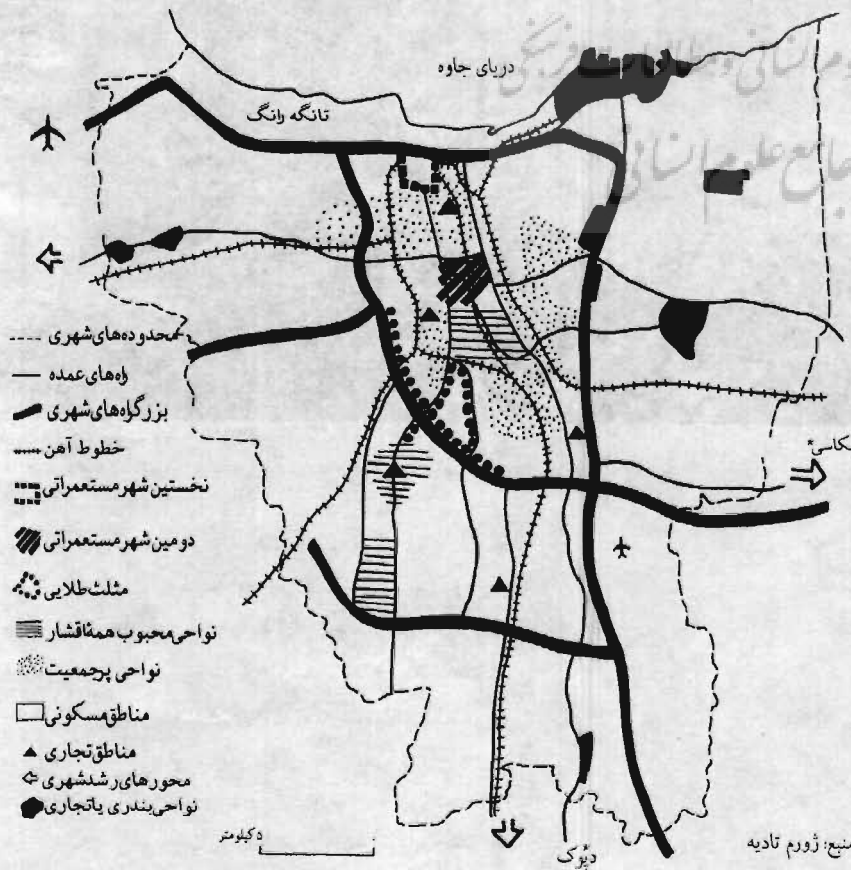
هنری محمدعلی که در هوای مرطوب یک غروب استوایی اواسط آوریل زیر تابلوی بلند اعلانات در جنوب جاکارتا ایستاده بود، با اشاره به تابلوی بزرگ بالای سرش با ناراحتی چنین گفت: «نگاه کنید! نوشته باید برای ساختن خانه پروانه ساخت گرفت.» ناراحتی علی دلیل داشت. تابلو در چهارراهی نزدیک محوطه دانشگاه اندونزی روی قطعه چمنی نصب شده بود که درست ده سال پیش خانه او بود، که به‌طور غیرقانونی در زمینی به مساحت دو هزار متر مربع ساخته شده بود. سرانجام یک روز او و خانواده‌اش را از آنجا بیرون کردند.

وی با اندوه فراوان تعریف کرد که صدها مأمور پلیس و ارتش که برخی از آنان مسلسل داشتند همسر و فرزندان او را به زور از خانه بیرون راندند و با تراکتور خانه را با خاک یکسان کردند.

در شهر متراکم جاکارتا این‌گونه داستان‌ها را می‌توان از زبان بسیاری از افراد طبقه متوسط و متوسط پایین شنید. این افراد، مالکان قانونی خانه‌هایی بوده‌اند که اجازه ساخت داشته‌اند. با این وجود آنها را بیرون رانده‌اند تا برای ساختن آسمان‌خراش‌ها، مجموعه‌های ساختمانی و بلوک‌های آپارتمانی بلند مالک‌نشین، که مرکز شهر جاکارتا را دگرگون ساخته‌اند، جای باز کنند.

بورس‌بازی زمین در جاکارتا - و به‌طور کلی در اندونزی - از دیگر نقاط آسیا بیشتر بوده است، این امر دلایل زیادی دارد. یکی آنکه در اندونزی نظام مالیاتی پیشرفته برای متصرف کردن مردم از اندوختن زمین وجود ندارد. (نظام مالیاتی پیشرفته نظامی است که به نسبت ثروت مالیات بگیرد). دوم اینکه مردم اندونزی دوست دارند پول خود را برای زمین که معیار تشخیص اجتماعی و نیز منبع ثروت است سرمایه‌گذاری کنند. مقامات دولتی و همچنین ساختمان‌سازان بخش خصوصی برای انباشت زمین با هم به رقابت می‌پردازند. هر چه مقام دولتی خود بالاتر باشد احتمالاً زمین‌های بیشتری خواهد داشت. سوم اینکه، بانک‌ها به‌طور سنتی زمین را وثیقه خوبی برای دادن وام می‌دانند و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برای تأمین اعتبار بورس‌بازی زمین با هم به رقابت برمی‌خاستند. آنها تشخیص نمی‌دادند که ساختار اقتصادی اندونزی شکننده است.

از اکتبر ۱۹۹۳ که دولت در مقررات مربوط به زمین و از جمله آزادی مالکیت زمین مقررات تازه‌ای را اعلام کرد تا ژوئن ۱۹۹۸،



منبع: ژورنل تادیه

هنگامی که مسئولان به او گفته بودند که سرینگ سنگ منطقه‌ای مسکونی است خیالش راحت شد و بعدها اجازه ساختمان نیز گرفت. ولی در ۱۹۸۹ مسئولان خیلی ساده به او گفتند طرح جامع را تغییر داده‌اند. هنگامی که علی اعتراض می‌کند مسئولان به سربازان دستور می‌دهند که وارد عمل شوند.

بر سر علی و میلیون‌ها نفر مانند او که بیرون رانده شده‌اند چه می‌آید؟ کجا می‌روند و زندگی خود را چگونه از نو می‌سازند؟ سرنوشت آنها بستگی زیادی به امکانات آنها دارد. مقامات مبلغی به عنوان خسارت به رانده‌شدگان می‌پردازند، اما این مبلغ معمولاً بسیار اندک است و به گفته پانانگیان، به‌طور میانگین یک بیستم قیمت بازار ملک آنهاست.

دولت کوشید تا در برخی نواحی خانه‌های ارزان عرضه کند اما به مثابه قطره‌ای در برابر دریا بود و به‌زودی زیر جنگلی از ساختمان‌های بلند و آسمان‌خراش‌ها ناپدید شد.

مقامات دولتی معمولاً زمینداران جزء آواره شده را تشویق می‌کنند که به حومه‌ها نقل مکان کنند یا به برنامه جابه‌جایی تحت نظر دولت بپیوندند که هدف آن انتقال مردم از جزایر پرجمعیتی چون جاوه، مادورا و بالی به جزایر خلوت‌تری مانند ایربان، جایا، کالیمانتان یا سوماتراست.

آنها که می‌توانند به حومه‌ها نقل مکان می‌کنند. بسیاری در بکاسی، در سمت شرق، و تنگرانگ، در سمت غرب، سکونت گزیده‌اند که مراکز عمده رشد اشتغال صنعتی و جمعیتی حاشیه بیرونی جاکارتای



بلوک‌های ساختمانی مرتفع در مرکز جاکارتا.

شهری را که خود در تهیه آنها دست داشت، فراموش کرد. سرنوشت افرادی چون علی نیز ناشی از همین مسئله است.

در اوج تخلیه‌های اجباری اواخر دهه ۱۹۷۰ و در خلال دهه ۱۹۸۰، روزنامه‌های اندونزی پر بود از داستان‌هایی در مورد استفاده ساخت و سازکنندگان از قلدرهای مسلح برای مستأصل کردن زمینداران جزء و اعمال خسونت سربازان در برابر شهروندانی که با این جریان مخالفت می‌ورزیدند. وکلای حقوق بشر مایوسانه می‌کوشیدند تا از طریق مذاکره راه‌حلی بیابند، اما در برخی موارد آنها نیز تحت پیگرد قرار می‌گرفتند و حتی زندانی می‌شدند.

اما همه صاحب‌خانه‌ها در برابر تهدید ساکت نمی‌نشستند. برخی مقاومت‌هایی را سازمان می‌دادند و در یک مورد به سربازان مأمور تخلیه با نيزه‌های نوک تیز خیزران نیز حمله شد. به گفته پانانجیان سیمان‌نگکالی، از مرکز مطالعات اندونزی، بسیاری از مهاجمان کشته شدند. وی همچنین برآورد می‌کند که طی حکومت خودکامه سوهارتو، از ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸، چهار و نیم میلیون نفر در جاکارتا از خانه و کاشانه خود رانده شدند.

### بی‌توجهی مسئولان به نقشه‌های تفصیلی برنامه‌ریزی

این نخستین بار نبود که علی پنجاه و پنج ساله به ترک خانه خود وادار شده بود. در ۱۹۵۹ که اندونزی برای میزبانی بازی‌های آسیایی آماده می‌شد، خانه او که یکی از صدها خانه منطقه سنایان در مرکز جاکارتا بود با بولدوزر ویران شد تا برای مجموعه ورزشی سنایان، بزرگترین مجموعه آسیای جنوب شرقی، جایی باز شود.

در آن زمان او مبلغ اندکی بابت خسارت دریافت کرد و قطعه زمینی در فاصله دو کیلومتری آنجا خرید. در ۱۹۷۹ تصمیم گرفت در برابر مقداری سود زمین را بفروشد و قطعه‌ای دیگر به مساحت دو هزار متر مربع در سرینگ سنگ ساوا خرید، ولی برای دو مین بار مجبور شد این محل را نیز تخلیه کند.

در حالی که او پیش از انجام معامله زمین محض احتیاط، به دفتر فرماندار و شهرداری جنوب جاکارتا مراجعه کرده بود (مربع را مشاهده کنید) به مطالعه و طرح جامع که مقامات مسئول برای مقابله با مشکلات رشد شهری سریع جاکارتا تهیه کرده بودند، پرداخته بود و

## دانستنی‌ها

جمعیت طبق برآورد سازمان ملل متحد جمعیت شهر متراکم جاکارتا، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر اندونزی، در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۸/۶ میلیون نفر بود که از ۱/۴۵۲ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به این رقم افزایش یافته بود. طبق پیش‌بینی این سازمان جمعیت این شهر در سال ۲۰۱۵ به حدود چهارده میلیون نفر خواهد رسید. اهالی جاکارتا از گروه‌های نژادی متعددی هستند. ساندایی‌ها از غرب جاوه و جاوه‌ای‌ها در اکثریت‌اند. اما سوماترای‌ها، مینانگ کابائو، بالینی‌ها و سایرین نیز تعدادشان کم نیست. جمعیت چینی قابل ملاحظه‌ای نیز در آن سکونت دارند که در شورش‌های بزرگ مه ۱۹۹۸ مورد تعدی قرار گرفت. اکثر جاکارتایی‌ها مسلمان‌اند اما بودایی، هندو و فرقه‌های مختلف مسیحی نیز یافت می‌شوند.

وضعیت سیاسی در سال ۱۹۶۶، دولت، جاکارتا را (با مجموع مساحت ۶۶۱ کیلومتر مربع) یک ناحیه کلان‌شهری ویژه و با جایگاه و دولتی مشابه به یک ایالت اعلام کرد. این شهر یک فرمانداری و پنج شهرداری دارد: جاکارتای مرکزی، جنوبی، شمالی، غربی و جاکارتای شرقی. نواحی مرکزی و غربی مراکز عمده تجاری هستند. اکثر ادارات دولتی و سفارتخانه‌ها در مرکز واقع‌اند. یک شهرداری مشتمل بر چند منطقه (ککاماتان) و یک منطقه مرکب از دوازده تا بیست و چهار زیرمنطقه (کلوراهان) است. شهرداران توسط فرماندار انتخاب می‌شوند.

اطلاعات اقتصادی جاکارتا، با نفوذ اروپاییان به مرکز تجاری ارتقا یافت و هنوز در تجارت بین‌المللی و داخلی نقش مهمی دارد. سهم تولید ناخالص داخلی جاکارتا ۹ درصد مجموع تولید کل کشور است؛ ۱۴ درصد حمل و نقل و ارتباطات، ۱۵ درصد تولید صنعتی، ۲۵ درصد تجارت و خدمات و ۶۵ درصد بانک‌داری. کالاهای صنعتی عبارت‌اند از پارچه، کفش، لباس، مواد غذایی، مواد شیمیایی، پلاستیک و وسایل الکترونیکی. اما تولیدات صنعتی نسبت به سایر شهرهای آسیایی با همین سطح از توسعه، بسیار کم اهمیت‌تر است.

تاریخ در اواخر سده شانزدهم شرکت هلندی هند شرقی شهر باتاویا را با حصار به عنوان یک مرکز تجاری بنا نمود. هلندی‌ها کانال‌هایی برای فاضلاب و سپس راه‌آهن شهری ساختند. تا ۱۹۲۰ جمعیت جاکارتا به ۵۳۰ هزار نفر رسیده بود که شامل شهر چینی‌ها و یک بخش اروپایی مدرن و محصور میان روستاها (کامیونگ‌ها) می‌شد. در ۱۹۴۵ مبارزان آزادی اندونزی استقلال این کشور را اعلام کردند و نام این شهر را به جاکارتا تغییر دادند.

پرتر اکم‌اند. برای افراد تهیدست مسئله بسیار متفاوت بوده و هست. علی در قیاس با دیگران خوشبخت‌تر بوده است. هنگامی که از خانه‌اش رانده شد از مقامات مسئول شکایت کرد. ابتدا از نظر حقوقی کمک‌هایی به او می‌شد اما با انتظارهای طولانی برای رسیدن موعد رسیدگی به پرونده و وقت زیادی که صرف حضور در جلسات دادگاه می‌کرد، این کمک‌ها سودی نمی‌بخشید. پس از یک جنگ حقوقی طولانی، دادگاه تجدیدنظر در ۱۹۹۶ شکایت او را بی‌مورد دانست اما مبلغی حدود پنجاه میلیون روپیه (۱۹۲۳۰ دلار به نرخ ارز آن روز) به وی پرداخت شد. این مبلغ فقط در حدی بود که بتواند یک قطعه زمین صد و پنجاه متری بخرد که وی و خانواده‌اش فعلاً در آن زندگی می‌کنند و در فاصله یک کیلومتری محلی است که او را در سال ۱۹۸۹ از آن بیرون کرده بودند.

علی با از دست دادن خانه‌اش محل کارش را نیز از دست داد. او قبلاً جوشکار بود. خانواده او مانند سایر خانواده‌های آواره بسیار فقیرتر شده‌اند. اگر علی می‌توانست خانه‌ای را که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در سنایان داشت برای خود نگاه دارد اکنون مرد بسیار ثروتمندی بود، زیرا قیمت این منطقه بسیار مطلوب جاکارتا به گونه‌ای سرسام‌آور بالا رفته است.

علی در حال حاضر بیکار است. زنش، اومره اینی، برای تأمین بخشی از هزینه خانواده یک کیوسک فروش نوشابه و بادام‌زمینی در ایستگاه اتوبوس باز کرده است. فرزندان‌شان که نه تا سی ساله هستند، با آنها زندگی می‌کنند، سه پسر آنها که از مدرسه اخراج شده‌اند راننده اتوبوس هستند.

آوارگانی چون علی اعتماد خود را نیز همراه با خانه از دست می‌دهند. احساس می‌کنند در زندگی شکست خورده‌اند. آنها همچنین از یک شبکه حمایت اجتماعی محکم و متشکل از همسایگان و خویشان، که از ویژگی‌های بارز زندگی در اندونزی است، محروم می‌گردند، زیرا مردمی که در حومه‌های جدید جاکارتا زندگی می‌کنند معمولاً دارای زمینه‌های نژادی و مذهبی متفاوتی هستند. بسیاری از مردم همسایگان خود را نمی‌شناسند.

آنهايي که در حومه‌ها زندگی می‌کنند با مشکلات فراوانی از قبیل

ساعات طولانی رفت‌وآمد، بهداشت نامطلوب، کمبود خطوط تلفن و کیفیت بد آب دست به گریبان‌اند.

## پنج درصد از جمعیت به آب پاکیزه دسترسی دارند

آبرسانی در شهرهای جنوب یک مشکل همیشگی است و جاکارتا نیز از این امر مستثنا نیست. شرکت خدمات آبرسانی PAM جایا، شاید بدترین عملکرد را میان شرکت‌های دولتی جاکارتا دارد. با وجود ۱۷۰ درصد رشدی که از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ داشته تنها قادر است برای پنج درصد از جمعیت آب پاکیزه فراهم کند. آب چاه خانه علی هنوز قابل شرب است اما بسیاری از خانواده‌های دیگر، به‌ویژه آنها که در مرکز یا شمال جاکارتا هستند، مجبورند آب آشامیدنی روزانه خود را از فروشندگان سیار بخرند.

شرکت مخابراتی پی‌تی تلکام اندونزی کارکرد بهتری داشته و از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ شمار خطوط تلفن جاکارتا را از ۵۶۰ هزار خط به ۱/۷ میلیون خط رسانده، که به معنی ۲۰۰ درصد افزایش است. اما برای جمعیت تقریباً ده میلیونی جاکارتا عرضه هنوز بسیار پایین‌تر از تقاضاست.

مشکل علی این است که احتمالاً قادر به تأمین هزینه اشتراک تلفن نبوده است، هنگامی که از او شماره تلفن‌اش را پرسیدند با لبخند سری تکان داد و گفت: " این کفش‌ها تنها چیزی است که من از ورشکستگی سال ۱۹۸۹ دارم، من که نمی‌توانم یک جفت کفش بخرم چطور انتظار دارید تلفن داشته باشم؟ "

بعدها، در آن غروب آوریل، که علی عازم دیدن همسرش شده بود برای ما شرح داد که چگونه در ۱۹۹۸ به هزاران دانشجو در اشغال ساختمان پارلمان پیوسته و برای براندازی سوهارتو با آنها همداستان شده است. وی هنگامی که محلی را که در آن خانه و آرزوهایش یک دهه پیش بر باد رفته بود، ترک می‌کرد، گفت: " دختر سوهارتو این چهارراه را ساخت ". آنچه او در آن روز سرنوشت‌ساز نیاخته بود، غرورش بود.

اندیشه دهکده جهانی یاوه است؛ در شهرهاست که قیله‌ها از نوزاده شده‌اند.

استفن فریزر  
کارگردان انگلیسی  
(۱۹۴۱-)

## جوامع از هم گسیخته

ممکن است علی آدم بد اقبالی باشد اما مسایل برای او پایان بسیار بهتری داشته است تا برای میلیون‌ها نفر از مردم جاکارتا.

اکنون حدود نیمی از جمعیت پایتخت اندونزی زیرخط فقر زندگی می‌کنند، یعنی با درآمدی کمتر از بیست دلار در ماه برای هر خانواده. بورس‌بازی زمین بر آلونک‌ها — مسکن اکثر مردم تهیدست — تأثیر ویژه‌ای داشته است.

خانم ورده حفیض، گرداننده یک سازمان غیردولتی و کنسرتیوم فقیران شهری، اوضاع مردم کامبونگ ساواه را در غرب جاکارتا به‌عنوان یک نمونه عادی مثال می‌زند. در سال ۱۹۹۴ یک اداره دولتی مدعی مالکیت مقداری زمین شد. ساکنان نخست از بیرون رفتن امتناع کردند اما سرانجام پس از قبول یک تاوان ناچیز — سی تا هفتاد دلار — به‌رغم اینکه بیش از بیست سال آنجا زندگی کرده بودند، مجبور به تسلیم شدند. آنان هنگام سقوط سوهارتو در ۱۹۹۸، از دولت شکایت کردند.

پرداخت غرامت که خیلی هم ناچیز است شیوه‌ای کلی نیست. مردم موضع قوی‌ای ندارند. کارگزاران ساخت و سازکنندگان ابتدا خانواده‌ها را در معرض آمیزه‌ای از وعده و تهدید می‌گذارند. قربانیانی که تصمیم به مقاومت می‌گیرند معمولاً نمایندگان از جانب خود انتخاب می‌کنند.

به قول حفیض، قبول نمایندگی کار پرخطری است چرا که این نمایندگان از سوی کارگران روزمزد ساختمان‌سازان یا از طرف خانواده‌ها به‌عنوان عامل مبارزه وحشت شناخته می‌شوند. مردمی که اخراج می‌شوند چون معمولاً خوش‌نشین هم هستند، آسیب‌پذیرند.

برخی از آنان تاوان ناچیز خود را صرف سکونت در حومه‌ای دور می‌کنند، اما اکثر آن را فوراً خرج می‌کنند و مجبورند دوباره در پی یافتن سرپناهی غیرقانونی در یکی از آلونک‌های امتداد خطوط راه‌آهن یا کرانه رودخانه‌ها باشند. به گفته خانم حفیض " آنها به‌ندرت بعد از اخراج ثروتمندتر می‌شوند ". بورس‌بازی املاک یکی از علل عمده استضعاف است.

این اخراج‌ها باعث گسیختگی بافت اجتماعی هم می‌شود. با توسعه کامپونگ‌ها (دهکده‌ها) در اطراف مرکز استعماری قدیمی، جاکارتا به تدریج بزرگ شد. پیوندهای اجتماعی در آنجا بسیار محکم بود، زیرا اکثر مردم از نواحی روستایی یکسانی گرد می‌آمدند. آنها حتی از نظر سیاسی و دولتی به رسمیت شناخته می‌شدند و هر کامپونگ برای خود در بین مقامات «رئیس» برمی‌گزید.

اخراج‌ها، روح اجتماعی را از بین می‌برند چرا که مردم در سراسر شهر و نواحی اطراف آن پراکنده می‌شوند. حفیض می‌گوید با بحران اقتصادی اخیر میزان خشونت در جاکارتا و نزاع میان همسایگان به مراتب بیشتر شده است. اما به قول وی، گسیخته شدن پیوندهای اجتماعی — سنتی نیز مسببی برای این خشونت است.